

نادیده گرفتن

روابط تجاری بین المللی در قانون تجارت ایران

توسعه بازرگانی بین المللی در چند دهه اخیر و بروز تحولات اساسی و بنیادی در حجم، ماهیت و همچنین روابط بازرگانی بین افراد و کشورها، مسائل پیچیده و دشواری را از جنبه های حقوقی امر تجارت برای طرفین ایجاد کرده است. بخش عمده این مسائل ناشی از سکوت نسبی قوانین تجارت داخلی کشورها نسبت به ارتباطات تجاری برون مرزی است. سازمان ملل متحد از طریق کمیسیون حقوق بین المللی تجارت کوششهایی جهت ایجاد هماهنگی و در نتیجه کاهش یا رفع موانع حقوقی تجارت بین الملل، بخصوص موانعی که بر کشورهای رو به توسعه اثر می گذارد به عمل آورده است. با اینهمه از آنجا که ایران بعنوان کشوری رو به توسعه همچنان نیازمند گسترش روابط بازرگانی خود با دیگر کشورهای جهان است لذا لزوم آشنایی هرچه بیشتر با قواعد و مقررات تجارت بین الملل و سعی در هماهنگ کردن حقوق تجارت داخلی با این قواعد و مقررات در محدوده حقوق تجارت بین الملل بیش از پیش به چشم می خورد. مقاله حاضر قلمرو حقوق تجارت را از دیدگاه روابط و جنبه های حقوقی تجارت بین الملل مورد بحث قرار می دهد.

در تقسیمات نظری، حقوق تجارت جزئی از حقوق داخلی خصوصی است. حقوق داخلی اصولاً مبین آن دسته از قوانین و مقرراتی است که مناسبات دولت را با افراد و یا تکالیف افراد را در برابر یکدیگر تعیین می نماید. بنابراین حقوق داخلی به اعتبار تعیین مناسبات دولت با افراد، حقوق عمومی و به اعتبار تعیین مناسبات افراد با یکدیگر حقوق خصوصی تلقی می شود.

در ایران قبل از انقلاب مشروطیت و در شرایط نبود قوانین تجارت، احکام شرعی نسبت به کلیه امور و مناسبات تجار نافذ و جاری بود. پس از مشروطیت نخستین بار قانون تجارت در ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و سپس در ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید که به موجب آن شرکتهای تجاری و همچنین موضوعاتی نظیر برات و فته طلب و ورشکستگی با قواعد خاص خود تعریف شد.

این قانون، بعداً به موجب قانون مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ منسوخ شد. قانون اخیر با تغییراتی در فصل مربوط به شرکتهای سهامی در سال ۱۳۴۷ تنها قانون تجارت ایران است که خود بنوبه و اصالتاً برگرفته از قانون تجارت سال ۱۸۰۷ فرانسه است.



مشخصات قانون تجارت کنونی ایران و موارد عمده‌ای که این قانون را از قانون مدنی و سایر قوانین داخلی خصوصی متمایز می‌کند عبارت است از:

- ایجاد پاره‌ای مقررات در زمینه روابط و مناسبات تجار
- شناسایی مفهوم شخصیت حقوقی و مقررات مربوط به شرکتها
- ایجاد مقررات ناظر بر برات و سفته و سایر اسناد و اوراق تجاری
- وضع پاره‌ای مقررات در زمینه امور ورشکستگی تجار

صرف نظر از مشخصات فوق‌الذکر، در قانون تجارت، حتی یک ماده به روابط میان خریداران و فروشندگان بین‌المللی اختصاص داده نشده است. اصولاً یکی از ویژگیهای قوانین خصوصی داخلی کشورها چه مدنی و چه تجاری این است که هیچ‌گونه پیشینی خاصی برای حل معضلات ناشی از تجارت بین‌الملل نکرده‌اند. آنچه در قانون مدنی ما درباره دنیای خارج آمده است مربوط می‌شود به تعارض قوانین و پیشینی مقرراتی در زمینه تشخیص اهلیت (مواد ۹۶۲ به بعد) و تابعیت (مواد ۹۷۶ به بعد). قانون تجارت نیز برخی از موارد خود را به مسئله تعارض قوانین^{**} و مقرراتی درباره

^{**} مراد از سیستم تعارض قوانین، مجموعه مقرراتی است که به قاضی یا داور امکان می‌دهد که در حین رسیدگی به یک اختلاف بین‌المللی، یافتن قانون ماهوی، یا شکلی حاکم بر رابطه مورد اختلاف، بتواند حقوق و تعهدات طرفین دعوی را معین کند.

می‌تواند تا سه روز از تاریخ انعقاد قرارداد معامله را فسخ کند (ماده ۳۹۸) درحالی که چنین حقی برای فروشنده وجود ندارد، در معاملات بین‌المللی موجب شگفتی و اصولاً ناپذیرفتنی خواهد بود.

چنانکه در بالا اشاره شد، قوانین مشخصی برای معاملات بین‌المللی تجاری، که همه جا شناخته شده باشد وجود ندارد. بنابراین به علت نبود این‌گونه قوانین تجاری بین‌المللی، معمولاً قانون یا قوانین داخلی یک یا چند کشور مرتبط با معامله تجاری، حاکم بر قرارداد خواهد بود.

هر معامله تجاری بین‌المللی حداقل با دو کشور ارتباط دارد. کشور صادرکننده و کشور واردکننده. اجرای قرارداد ممکن است تماس با کشورهای دیگری را نیز در پی داشته باشد، بویژه هنگامی که کالا در کشور سوومی به صورت ترانزیت عبور می‌کند. در این موارد، باید مشخص شود که چه قانونی بر قرارداد حاکم خواهد بود. به علاوه پس از آنکه قراردادی به اجرا گذاشته می‌شود، ممکن است اجرای آن با اشکالاتی همراه باشد و اختلافاتی بروز کند که حل آنها از طریق مذاکرات دوستانه ممکن نباشد. درحال حاضر یکی از راههای حل این‌گونه اختلافات رجوع به دادگاههای یکی از کشورهای مربوط است. در چنین موردی طبعاً این سؤال پیش می‌آید که آیا خواهان باید در محاکم کشور خود اقامه دعوی کند یا در ورق بزیند

تعهدات سرچشمه گرفته از اسناد و اوراق تجاری اختصاص داده است (مواد ۳۰۵ و ۳۰۶) ولی درخصوص تجارت خارجی، اشاره قانونگذار ناچیز است. مقررات مواد ۳۲۸ به بعد قانون مدنی ایران هم بر تجارت داخلی و هم بین‌المللی به‌طور یکسان حکومت می‌کند - اشکالی که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت - زیرا مقررات مزبور بیشتر برای معاملات عادی و کم‌اهمیت مناسب است تا معاملات تجاری مهم، بویژه معاملات تجاری بین‌المللی. مثلاً این قاعده که هر یک از طرفین می‌تواند حتی پس از امضای قرارداد بیع و تا هنگامی که طرفین در یک محل هستند، به موجب ماده ۳۹۷ قانون مدنی عقد بیع را فسخ کند، یا در مورد بیع حیوان، مشتری

محاكم کشور خوانده. که البته حقوق، تکالیف و مسئولیتهای طرفین رابطه تجاری در چارچوب قرارداد فی مابین تعیین می شود و احتمالاً حاکمیت مقررات قوانین تجاری یکی از طرفهای معامله مورد قبول قرار می گیرد. منتها چنانچه دستیابی به چنین توافقی امکانپذیر نباشد، کشور ثالث، اتاق بازرگانی آن کشور و یا نهاد معتبر دیگری را به عنوان حکم در حل اختلافات احتمالی برمیگزینند. قوانین داخلی حاکم بر معاملات تجاری بین المللی به ناچار دارای کمبود یا نقصان و یا اختلافی است که غالباً در جهت محدود کردن تجارت بین المللی عمل می کنند، لذا به نظر می رسد استفاده از سیستم تعارض قوانین مدتهاست که دیگر برای حل مسائل تجاری بین المللی کفایت نمی کند و در کنار ضرورت وجود آن در مورد بسیاری از مسائل، نظیر اهلیت و احوال شخصیه و غیره این عقیده پذیرفته شده است که در روابط بین المللی بویژه روابط تجاری و اقتصادی، باید از قواعد ماهوی که میان ملل مختلف مشترک است سود برد که در نتیجه برای اعمال آنها بر قضایای مطرح شده، نیاز به مراجعه به قواعد تعارض نیست و منطقی است که آنها را به طور مستقیم، در اختلافات میان طرفین - که ذات بین المللی دارند - اعمال کنیم.

بدین لحاظ مفهوم حقوق بین الملل خصوصی اندک اندک دامنه گسترده تری نسبت به مفهوم سنتی آن پیدا می کند. لذا

به نظر می رسد در کنار و به موازات گامهایی که در جهت ایجاد یک نظام یکنواخت حقوقی بین المللی تجاری توسط آژانسهای بین المللی برداشته می شود، دولتها نیز می باید قلمرو قوانین تجاری داخلی خود را هماهنگ با نیازهای روابط تجاری بین المللی گسترش دهند و لوایح و قوانینی در این زمینه پیشنهاد و تصویب کنند که از لحاظ ماهوی با قواعد حقوقی تجارت بین الملل یکنواخت و در یک راستا باشد.

مؤسسه اونیدروآ (Unidroit)، کنفرانس لاهه و اخیراً کمیسیون ملل متحد در مورد حقوق بین المللی تجارت عمده ترین نهادهایی هستند که با هدف ایجاد قواعد مشترک برای امر تجارت بین المللی کار می کنند. امید است که نیل به هدف فوق از طریق کنوانسیونهای بین المللی انجام گیرد و دولتهای تصویب کننده این کنوانسیونها تعهد کنند که قوانین یکسان و یکنواختی را در قوانین داخلی خود بگنجانند.

در میان کشورهای جهان اولین کشوری که دست به چنین ابتکاری زد چکسلواکی بود که در سال ۱۹۶۳ لایحه ای را تحت عنوان «روابط حقوقی در مناسبات تجاری بین المللی» به تصویب رسانید. این لایحه اولین قانون داخلی جدیدی است که در خصوص معاملات بین المللی تدوین شده و مشتمل بر ۷۲۶ ماده است. قسمتی از آن به مقررات عمومی قراردادها اختصاص یافته و بخشهایی از آن نیز متضمن

مقرراتی است درخصوص انواع قراردادها که با توجه به مسائل جدیدی که در روابط بین المللی مطرح شده گسترش بیشتری یافته است. مثلاً علاوه بر مقررات کلی و سنتی حاکم بر قرارداد بیع، قانون جدید شروطی خاص در مورد ممنوعیت صدور کالاهای خریداری شده از خارج وضع کرده است.

از جمله قوانین داخلی دیگر خاص تجارت بین الملل می توان از قانون تجارت بین المللی جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی سابق نام برد. این قانون در سال ۱۹۷۶ تصویب شد. صرف نظر از انگیزه تدوین این قانون، مجموعه قانون آلمان شرقی سابق از لحاظ شکل تدوین ویژگیهایی خاص خود داشت؛ بدین معنی که قانونگذار با به کارگیری روشی ویژه کوشش کرده بود در بیان قواعد حاکم بر معاملات تجاری روندی را پیش گیرد که به مراحل متوالی یک واقعه تجاری پاسخ داده شود. در لهستان تا قبل از تدوین قانون تجارت بین المللی جدید، مقررات حاکم بر معاملات تجاری همان بود که در قانون مدنی این کشور آمده بود. انطباق قواعد حقوق مدنی با نیازهای خاص تجارت بین المللی تدوین قانون ویژه ای را در این زمینه ایجاب می کرد. کمیسیون تهیه و تنظیم قانون، پس از سه سال طرحی مناسب فراهم آورد که با قوانین تجارت بین الملل آلمان شرقی سابق و چکسلواکی متفاوت بود. در واقع به جای این که اصل بر قوانین مدنی و تطبیق آنها

با شرایط جدید معاملات تجاری بین‌الملل قرار داده شود، قواعد تجاری بر مقررات مدنی ترجیح داده شد و قوانین مدنی به عنوان ابزارهای فرعی این‌گونه معاملات شناخته شد.

مطالعه تحول تجارت بین‌الملل در قرن اخیر نشان می‌دهد که طرفین رسمی و غیررسمی و اصولاً دست‌اندرکاران تجارت بین‌الملل، به حکم ضرورت پیوسته در جستجوی راه‌حلهایی برای روابط پیچیده خود بودند که بهتر از راه‌حلهای سنتی قانونی پاسخگوی نیازهای ویژه جامعه آنها باشد. اصل آزادی اراده در تدوین شرایط قرارداد، این امکان را به وجود آورد که تجار قواعد و مقررات حقوقی خاصی برای انجام معاملات بین‌المللی خود تدوین کنند که با آنچه در معاملات داخلی به کار گرفته می‌شود متفاوت بود. از طرفی قانونگذاران و قضات داخلی نیز بعضاً چه از راه تطبیق مستقیم تعارض قوانین با توسعه تجارت بین‌المللی و چه با اعمال مستقیم قواعد ماهوی بین‌الملل به منظور حفظ روابط برون‌مرزی، تجارت بین‌المللی را از همتای داخلی مستقل دانسته و لزوم رعایت مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی را در مورد آن تعدیل کردند. معذالک نباید به آسانی تصور کرد که قواعد و مقررات حقوقی تجارت بین‌الملل در همه حال بر تمامی جوانب حاکم است، به نحوی که بتوان از حقوقی کاملاً مستقل از حقوق داخلی کشورها و بی‌نیاز از حقوق بین‌الملل خصوصی صحبت به میان آورد. زیرا اولاً با وجود

اقدامات دولتها در جهت همگون کردن قواعد ماهوی تجارت بین‌الملل هیچ کشوری تاکنون حاضر نشده است خریداران و فروشندگان بین‌المللی را در انجام معاملات و در حل معضلات ناشی از آنها به حال خود رها کند. برعکس حفظ منافع اتباع کشورها ایجاب کرده است که دولتها در روابط بین‌المللی دخالت کنند. دخالت دولتها در تنظیم روابط تجاری بین‌المللی به صورت وضع قوانین داخلی که جنبه نظم عمومی نیز دارد جلوه‌گر شده است که عدول از آنها برای دست‌اندرکاران ممکن نیست. قوانینی چون قوانین حاکم بر مبادلات و تبادل گمرکی و امثال آنها کلاً جنبه آمرانه دارند و قواعد و مقررات حقوقی خاص تجارت بین‌الملل در برخورد با آنها حالتی خنثی یا محدود می‌یابند. ثانیاً قواعد ماهوی خاص بین‌الملل بر فرض عدم برخورد با نظم عمومی کشورها، همیشه به‌طور مستقیم

قابل اعمال بر روابط بین‌المللی تجار نیستند. برخی از این قواعد جز با مراجعه به قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌توانند در روابط بین‌المللی به اجرا گذاشته شوند. ولی فراموش نشود که هدف حقوق و به تبع آن حقوق تجارت بین‌الملل تضمین امنیت روابط افراد و بویژه حفظ حقوق افراد است. به همین سبب، با وجود پیشرفتهایی که در تدوین قواعد و مقررات خاص تجارت بین‌الملل به دست آمده، حقوق بین‌الملل خصوصی به معنی سنتی آن هنوز هم از اهمیت خاصی برخوردار است.

مأخذ:

دکتر اسکینی	حقوق تجارت بین‌الملل
منوچهر فرهنگ	جنبه‌های حقوقی تجارت خارجی
دکتر ستوده	حقوق تجارت
عبادی	حقوق تجارت

مرکز فراموش نمی‌کنیم شما حق انتخاب دارید

G.H.M.S.I

کیفیت بالادر بازرسی کالا

عضوی از شرکتهای بین‌المللی بازرسی ITS و CALEB BRETT

در بیش از ۱۰۰ کشور جهان با مجوز بانک مرکزی واردات ایران را بازدید می‌کند

تلفن: ۰۸-۸۸۲۱۷۱۷ فکس: ۸۸۲۱۵۲۸ تلکس: ۲۲۶۲۱۷

با حضور در خارک، بندرعباس، سربندر، چابهار، بوشهر، تبریز، مشهد، اصفهان

